

روایت کابوسی دنباله‌دار

معصومه علی اکبری

ذوب شده. عباس معروفی. تهران: ققنوس، ۱۳۸۸. ۱۲۷ ص. ۲۲۰۰۰ ریال.

«ما آدم‌هایی هستیم که زمان و مکان‌مان به هم ریخته، نمی‌دانیم کی چرا کجاییم؟»
عباس معروفی

و اگر نشد، سر به نیست کنند. له‌شدگی انسانیت و ویرانی انسان سر نوشت مشترک این دو گروه است، هر کدام به طریقی این تقدیر را می‌پذیرند. فاصله این طریق‌ها گاه از ذالت است تا شرافت. رمان ذوب شده روایت لحظه‌هایی از زندگی در مکانی بی‌زمان است که تا کسی بیاید بفهمد که چه وقت از زمان است، نشانه‌های زمان گم می‌شود. در مرگ، در ذوب‌شدگی، در ساده‌دلی، در دود غلیظ لاستیک‌هایی که در فضای ویل پشت دیوارهای بلند آن مکان بسته به آتش کشیده می‌شود. نشانه‌های زمان گم می‌شود در جابه‌جایی هولناک آدم‌ها و نقش‌های‌شان در کودکی و بزرگسالی. نشانه‌های زمان گم می‌شود در تغییر دائم نقش‌ها و بازی‌ها.

رمان ذوب شده روایتی ساده است از تصویری از زندگی، همچون یک بازی. عده‌ای می‌دانند که دارند بازی می‌کنند و بعضی نمی‌دانند، اما خود را رها می‌کنند در بازی‌هایی که به آن دعوت می‌شوند. بازی مرگ و سوختن و ذوب شدن، درست مثل لاستیک‌های اسقاطی، درست مثل ذوب شده که می‌داند و نمی‌داند که ذوب شده. می‌داند و نمی‌داند که رستگار می‌شود یا نمی‌شود و درست موقعی که دانه‌های سبک و سفید برف را روی نوک بینی‌اش حس می‌کند و انتظار خروج می‌کشد، گلوله‌های



داغ سرب در کتف و سینه‌اش چکانده می‌شود و ذوب شده به خواب می‌رود بی‌آن که فرصت خواب دیدن داشته باشد. بی‌آن که بتواند به قصه‌های نویسنده گوش بدهد. نویسنده‌ای که هم نویسنده است و هم نقش قصه‌گور بازی می‌کند. بعضی‌ها بازیگران حرفه‌ای شده‌اند مثل بازجو، مثل پرستار، مثل مأمور ویژه، و بعضی بازیگران مبتدی هستند مثل ذوب شده که تا آخرین خواب هم نفهمید که نقش و نقش‌هایی بر عهده‌اش گذاشته‌اند که او اجرایش می‌کند در بیرون از این مکان بی‌زمان یا درون این مکان بسته.

فرق این مکان بی‌زمان با آن مکان باز زمان دار در درک ناقصی است که آدم‌ها از بازی پیدا می‌کنند. در آن‌جا، در بیرون کمتر کسی صحنه زندگی را صحنه یک بازی می‌داند و خود را یکی از بازیگران می‌شمارد. اما این‌جا، در وسط این مکان بی‌زمان بسته، خیلی زود همه پی می‌برند به نقشی که به عهده‌شان گذاشته شده است. هشیارترها می‌فهمند که نباید همیشه یک نقش داشت. استعداد نقش‌های دیگر را در خود کشف می‌کنند. در آن‌جا در بیرون هم هستند آدم‌هایی که در یک نقش سیراب نمی‌شوند. آن قدر معنای بازی را جدی می‌گیرند که خود عین بازی می‌شوند. در هر لحظه و در

رمان ذوب شده روایتی بی‌زمان است از لحظه‌های له‌شدگی انسان در زندان. زندانی به بزرگی یک پارک یا کوچکی اتاقک یک تاکسی یا یک سلول انفرادی یا بند عمومی. لحظه‌های له‌شدگی و سوختگی انسان است در زیر بارش برف نیمه شب و یا چکه‌های خنک آب. روایت له‌شدگی و لگد کوب شدن انسانیت در کودکی است که نفت بر تن نحیف بچه گربه‌ای می‌ریزد و کبریت می‌کشد و به تماشای پیچ و تاب دردناک و ملتسمانه بدن بچه گربه می‌ایستند. کودکی که دارد تماشای خشونت و اعمال خشونت رازیر پوستی و کاملا حسی تجربه می‌کند. روایت لحظه‌هایی است از له‌شدگی انسانیت در وجود فردی که از شدت ناتوانی جنسی، چنان حریص می‌شود که زندانی را وادار به تشریح ماجراهای خودش می‌کند تا او کیفور شود؛ و زندانی قصه می‌یافت تا آتش‌های دو

پاکت سیگار بر پوست تن‌اش خاموش نشود. رمان ذوب شده روایت کابوسی است که بیداری از آن ممکن نیست. کابوسی جمعی و انفرادی که در هر گوشه‌اش فاجعه‌ای کمین کرده است. در هر گوشه‌اش انفجاری کمون رفته است. در هر گوشه‌اش انتظاری جا خوش کرده است. انتظاری که با خشن‌ترین شکل ممکن سرخورده می‌شود. کابوسی که هیچ رویایی در آن راه ندارد. هر رویایی به محض این که پا به درون کابوس می‌گذارد زیر چک‌چک‌های اتاق خیس، مغزش منفجر می‌شود. کابوسی بی‌زمان در مکان یا مکان‌هایی بسته. رمان ذوب شده روایت متلاشی شدن انسان است. انسان زندانی، انسان شکنجه‌گر، انسان سیاسی، انسان عادی، کودک شرور، دختر معصوم و...

رمان ذوب شده در مکانی بسته اتفاق می‌افتد با مجموعه‌ای از انسان‌های ناهمساز و بیمار و سالم و مسئله‌دار و بی‌مسئله. انسان‌هایی که ظاهراً به دو دسته تقسیم می‌شوند: آن‌ها که می‌دانند چرا به آن مکان در بسته آمده‌اند و چه می‌کنند و آن‌هایی که نمی‌دانند چرا به آن‌جا آمده‌اند و چه کرده‌اند و چه می‌کنند. گروه اول میل به خروج ندارند و آمده‌اند که بمانند تا آدم‌های گروه دوم را اگر شد تأدیب



جامعه‌شناسان منتشر کرده است:

مجموعه حوزه‌های جامعه‌شناسی

- نظریات جدید جامعه‌شناسی و ورزش، محمدرضا مهرآئین
جامعه‌شناسی صلح، گاستون بوتول، هوشنگ فرخجسته
جامعه‌شناسی جنگ، کاپلو و ونسن، هوشنگ فرخجسته
اندیشه اجتماعی و سیاسی سبزی، اندرو دابسون، محسن ثلاثی
جامعه‌شناسی نظم اجتماعی، پیتر ورسلی، سعید معیدفر
جامعه‌شناسی ورزش (وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال)،
وحید قاسمی، وحید ذوالاکتاف، علی نورعلی‌وند
مبانی توسعه پایدار شهری، مهرداد نوابخش - اسحق ارجمند
سیاهپوش
نفوذ اجتماعی، کاظم سام دلیری
جامعه‌شناسی کشورهای اسلامی، غلامعباس توسلی و بقیه
نویسندگان
جامعه‌شناسی علم، محمد توکل
جامعه‌شناسی کیفیت زندگی، مرضیه مختاری - جواد نظری
جامعه‌شناسی سیاسی کلان، محمدرضا طالبان
فرهنگ و رفتار اجتماعی، هری س. تری یاندریس، نصرت
فتی (چاپ سوم)
نظریه اجتماعی و سیاست هویت، کریج کالهن، قلی‌پور -
محمدرزاده
جامعه‌شناسی جوانان (سبک‌های زندگی جوانان در دنیای متغیر)
استیون مایلز، مینا قریب - نعیمه جوان
جامعه‌شناسی حقوق، اسحق ارجمند سیاهپوش
جامعه‌شناسی تکنولوژی، محمد توکل
جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران، جواد افشار کهن
تجارت خارجی ایران (در عهد قاجار و پهلوی)، میثم موسایی
یادگیری سازمانی و سازمان‌های یادگیرنده (اصول و فرامین)،
سید نصرالله ساداتی
تصمیمات اخلاقی در رویه مددکاری اجتماعی، رالف دولگوف،
فرانک م. لونبرگ، دونا هارینگتون، فضا نوپور
دین، توسعه و فرهنگ، میثم موسایی
مباحثی در باب منطق علوم اجتماعی، غلامرضا خدیوی
شهرها و طبقه خلاق، ابراهیم انصاری، محمد اسماعیل انصاری
جامعه‌شناسی سلطه، مهران صولتی
سرمایه‌های نامشهود سازمان‌های هزاره سوم، مریم آقایی،
مرجان خالدی زرندی
اقتصاد برای علوم اجتماعی، میثم موسایی

نشانی: خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران. پاساژ فروزنده.
طبقه همکف پلاک ۳۳۳. فروشگاه جامعه‌شناسان. تلفن: ۶۶۰۰۰۰۵۱

هر جایی نقشی متفاوت دارند. شاید می‌ترسند که چهره بی‌نقش‌شان دیده شود. شاید می‌ترسند که بدون نقاب‌های بازی‌چیزی از آن خود نداشته باشند که در خور دیدن باشد. هر لحظه خود را در پس نقشی و نقابی پنهان می‌کنند با این که می‌دانند که دیگران هیچ کدام از نقش‌ها و نقاب‌های او را جدی نمی‌گیرند و هیچ یک از بازی‌هایش را حرفه‌ای و اصیل نمی‌دانند. او آن قدر نقش‌های گوناگون دارد که خودش را درون آن‌ها گم می‌کند. نزدیک‌ترین دوستانش هم دیگر نمی‌توانند او را پیدا کنند. هیچ‌جا و هیچ‌وقت، دیگر نشانه‌ای از او در صحنه زندگی باقی نمی‌ماند، مگر رد‌هایی از خشونت‌های سرد و گرم. این را آدمی که نقش باز جورا به طور حرفه‌ای بازی می‌کند، بالاخره می‌فهمد؛ بعد از بازی‌های جورواجوری که با یک نویسنده زندانی می‌کند. یعنی آدمی که نقش یک زندانی را دارد. زندانی‌ای که نقش یک نویسنده را دارد. این آدم در نقش باز جو به این آدم در نقش زندانی اجازه می‌دهد که قبل از خروج از آن مکان بی‌زمان آخرین بازی ذوب شده را در وضعیتی میان وهم و خواب آلودگی تماشا کند و برسد به آخرین خواب او.

ذوب شده، روایت ساده‌ای است از پلیدترین راهی که انسانیت انسان‌ها در هر نقشی که داشته باشند، له می‌شود و به راحتی یک تکه کاغذ جرداده می‌شود و ریزریز می‌شود. این چک‌چک قطره‌های آب نیست که مغز را می‌ترکاند. این گلوله نیست که خنکای سفیددانه برف را در تن دخترک به خونی گرم می‌نشاند. این قدرت فرمان کلمه است که می‌تواند بترکاند، منفجر کند، امیدوار کند، آزاد کند، دربند کند. همه چیز در گرو قدرت کلمه است. کلمه‌ای که بر زبان نقش‌های مختلف جاری می‌شود قدرت‌های مختلفی دارد. در هر مرتبه‌ای از قدرت می‌تواند منشاء اثر فعلی باشد یا توهم فعلی. مثل توهم فعلی که از آدم بیمار جنسی سر می‌زند. یا توهم رستگاری که در کله دخترک می‌پیچد یا توهم عشقی که از زبان باز جو منتقل می‌شود به احساس دخترک. مثل فعل آزادی که قرعه فالش به نام نویسنده زده می‌شود. نویسنده‌ای که نمی‌دانست علاوه بر نقش‌هایی که در آن مکان بی‌زمان داشت، در این جادو این خانه زمان دار خودش هم نقشی داشته که به مجسمه‌اش محول شده یا نقش مجسمه هم به نقش‌هایش اضافه شده است. مجسمه‌ای که زن از او تراشیده تا با او هم کلامی کند. اکنون معلوم نیست که آن مجسمه باید نقش نویسنده را بازی کند یا نویسنده است که در پرهیز از آن مکان بی‌زمان باید نقش مجسمه را ایفا کند.

شاید برای بسیاری از خوانندگان، ذوب شده روایتی ساده از خاطرات یک زندانی در قالب یک داستان بلند یا رمان باشد. بیست و چند سال پیش، شاید می‌توانست فقط چنین باشد. اما از این نقطه زمانی اکنون، ذوب شده، روایت هولناک له‌شدن انسانیت انسان‌ها در زیر دست و پای ابزارها و رفتارها و کلمات است. استحاله هولناک انسانیت به حیوانیت است و پایین‌تر از آن. روایت هولناک استحاله زیست انسانی به زیستی رقت‌بار و ذلیلانه و موحش است. استحاله‌ای که چنان در سرمای شدید صورت می‌گیرد که سردی آن تا مغز استخوان خواننده هم نفوذ می‌کند. کابوس له‌شدن و پاره‌پاره انسانیت انسان است در نقش‌های اختیاری و اجباری که نمی‌داند کی و کجا و چرا آن‌ها را بازی می‌کند.